

اندک نویسه های بازتاب گونه ای در مورد نوشته های دوستان فرهیخته و صاحب نظر، در امر تدوین نظام نگارشی زبان و ادبیات شغنی !



آن یکی گر نیم نان گم کرده است  
آن دگر نیم جهان گم کرده است  
زهر باشد شیر مادر بر کسی  
کوزبان مادران گم کرده است

نصر الدین شاه پیکار

بدون تردید، به میان آمدن سایت "سیمای شغنان"، بنیاد مستحکم فرآیند موثر مفاهمه و مکالمه ادبی، فرهنگی، زبانی، اجتماعی، مدنی و اقتصادی را میان همه آنهایی که به زبان، ادبیات، تاریخ، فرهنگ، عرفان، داشته های شفاهی، تهذیب و باور های تاریخی، مردم و سرزمین شغنان علاقه مندی وافر داشتند و دارند، به ساختار گرفت.

همه قلم بدستان با فهم دقیق از اینکه، زبان به مثابه یک قرارداد اجتماعی، نه تنها وسیله افهام و تفهیم میان انسان است، بلکه باعث ایجاد مناسبات گسترده اجتماعی، سنتی، تبادل اندوخته های تاریخی، گونه پذیری تمدن ها، و معرفی انسان به مثابه بهترین آفرینش است، با نگارش های همه جانبه، خالصانه، میهن پرستانه و ادیبانه شان در مورد ایجاد نظام نوشتاری و رسم الخط زبان شغنی، برگه های سیمای شغنان را هرچه بیشتر از پیش، مزین ساختند.

در زمینه قبل از ورود به بازتاب سخنی چند پیرامون این مسئله، میل دارم صمیمانه و خالصانه از از زحمات، کارکرد ها، نظریات تکمیلی، پیشنهادات، و نگارش های مشحون از محتوا و سیاق پر بار دوستان و شخصیت مطرح جامعه مدنی شغنان: **محترم ظهور الله "ظهوری"**، **علی شاه "صبار"**، **قوت "نیرو"**، **کریم "نوجو"**، **دپلوم انجینر اسرار، معاون سر محقق خیر محمد "حیدری"**، **داکتر خوش نظر "پامیرزاد"** و سایر دست اندرکارانی که کارکرد های شان در شرف ظهور اند، اظهار سپاس و شکران نمایم. یک واقعیت مسلم است که نوشته های دوستانی که نام های شان در فوق مرقوم گردید، باعث شد تا من هم من حیث شهروند شغنان، در روشنایی آفریده های فکری شان، چند و چونی داشته باشم. من شخصاً هم در گذشته ها و هم اکنون به این باور هستم که همه ما در این فرآیند نقش عناصر تکمیلی و تصحیحی خواهیم داشت، و هیچ کسی در میان ما دارای حکم مطلق و بینش غیر قابل تغییر

نخواهد بود، و اجماع فکری ما میتواند همه ما را به سر منزل مقصودی برساند که دارای حقانیت نسبی و قابل پذیرش برای مردم و نسل منور ما در آینده ها، باشد. محترم " صبار "، در نوشته جامع شان چنین اظهار نظر نموده اند که واقعاً در خور ستایش و قابل تمجید است:

" ولی برعکس در شغنائی یگان وسعت زبانی هم وجود دارد، یعنی برای هر نوع حرکت یا فعالیت، کلمه یا "فعل" خاص آن وجود دارد؛ مثلاً در دری مصدر "رفتن" معادلش در زبان شغنائی دو مصدر دیگر "ستتاو یا ستاو" و "تیداو" است که هر دو بمعنی رفتن در زبان دری است. در حالی که این دو مصدر ذکر شده شغنی هر یک هدف معین دارد که این اهداف در "رفتن" دری روشن نیست. "ستتاو" شغنی آن نوع رفتن است که محل موعود معلوم است، و از هر جایی به آنجا میروند، یعنی مفهومش "رفتن بمحل معین" است، و در "تیداو" هم که رفتن معنی میدهد، ترک محل معلوم است و جایی که محل رفتن است معلوم نیست، و ضرور هم نیست که معلوم باشد. مثلاً از یک عروسی هرکس بجایی دل بر رفتن دارد و یا هرکس بخانه های خود میرود، یعنی "ترک محل و یا رفتن از محل معین" است. بناً، "ستتاو" رفتن به محل معین و "تیداو" رفتن از محل معین معنی میدهد. فکر میکنم که این خصوصیت در "رفتن" زبان دری وجود نداشته باشد، ولی میشود با شکل دیگری در سایر زبانها بمشاهده برسد.

بدون تردید ترجمه واژه های "ست تاو" و "تیداو"، از دیدگاه موقعیت فعل در زبان دری، دارای تفاوتی نمی باشند، اما اگر آنها را از نقطه نظر اصطلاح معنی شناسی (سیمانتیک)، مورد بررسی قرار دهیم، دارای هدف متفاوت هستند. مثلاً "ست تاو"، مرحله آغازین فرآیند یک نوع عملی را نشان دهنده است که تصمیم در مورد آن در حال تکوین است، اما واژه "تیداو"، این مرحله آغازین عمل را سپری نموده و در مرحله اتخاذ تصمیم نهایی قرار دارد، که امکان دارد به عقب برگردد. به نظر من در هر دو واژه محل و هدف برای عاملین معین است، و از این سبب از محل و هدف خود داری صورت گرفته است، و هم هیچ حرکتی و هیچ عملی بدون هدف صورت گرفته نمیتواند. مزید بر آن محترم " صبار "، می نویسند که:

" البته زبان شغنی هم از این مشکل بدور نیست و ما قبول کردیم که از "زیر"، "زبر"، "پیش"، "تشدید" و "جزم" عربی در زبان شغنائی وسیعاً کار میگیریم، همانگونه که در زبان فارسی از آن استفاده مینمائیم. در غیر آن هیچ راهی برای نوشتن و صحت املائی زبان شغنی وجود ندارد. هنوز که عمر ها گذشته، در زبان فارسی دری، پشتو و اردو در بسیاری موارد از حرکت های "زیر، زبر، پیش" و دیگر حرکات عربی استفاده صورت میگیرد، ولی ما که در زبان شغنی در آغاز کاریم، باید به وفرت از این تسهیلات زبان عربی استفاده نمائیم.

**"کشاله دار"** تلفظ نمودن بعضی واژه ها در زبان شغنی، یک مشکل جدی املائی این زبان است که گویا برای حل آن علامه ای استخراج نشده است، و در عین زمان دوستان ما هنوز سلیقه استفاده از **"حرکات"** عربی را در زبان خود نیافته اند، که در فوق نام گرفته شد و بطور کل و اساسی پنج **"حرکت"** است و در اکثر حروف مابین و آخری کلمات بکار گرفته میشود. یعنی، حروف کلماتی که در آن واول بمفهوم انگلیسی بکار گرفته نمیشود و صرف صدای حروف گرفته میشود و کلمه مفهوم پیدا میکند؛ مثلاً **"تیم"** (می رویم) کلمه سه حرفی است، حرف اول **"زیر"**، حرف دوم **"زیر"** و حرف سوم نه ارتباط داده میشود و نه هم دارای مشدده است. همینکه حرف دوم به **"زیر"** رفت، حرف سوم و یا آخری چون چیزی از قبیل واول و یا **"حرکت"** ندارد و ارتباط هم داده نمیشود، باید صرف آواز یا فونیم آن تلفظ و بشکل سکون آنرا ادا کرد، یعنی تقاضای هیچنوع **"حرکت"** را نمیکند که از همینجا کشاله دار شدن کلمات و یا جملات کوتاه آغاز میشود. مثلاً - بشیوه بنده - **"سوم"** (برویم) یا (میرویم) و **"سوم"** (بروم) یا (میروم) هم همین خصوصیت بالا را دارد که املائی این دو واژه صرف توسط **"حرکات"** عربی از هم فرق میشود.

در قدم نخست اگر زبان فارسی و زبان پشتو نتوانسته اند در مدت زمان نهایت طولانی از اسارت زبان عربی خویشتن را آزاد کنند، این تقصیر تاریخی و فرهنگی گویشوران آنها است که بعد از استیلای سیاسی- عقیدتی در معامله فرهنگی قرار گرفته اند که امروز ایران تا حدی از آن رهایی یافته است و یا هم در تلاش رها شدن است، و دوم اگر از این حرکات در زبان شغنی استفاده به عمل آوریم، در واقعیت امر این زبان را بدون آنکه از امکانات واقعی زبانی اش استفاده به عمل آوریم آن را زیر اثر قوانین زبان خارجی می سازیم، که تمام زبان های مطرح بین المللی از این کار جداً ابا ورزیده و در آینده هم خواهند ورزید. اگر ما خواسته باشیم حرکات زبان عربی را بکار ببریم، هر زبان دیگر به شمول زبان شغنی نیز دارای حرکات هست، که باید آنها را در یافت. مثلاً اگر ما فعل **"تیم"** را که در زبان دری معنی میرویم را می رساند، به هر اندازه ای که از حرکات، فتحه، کسره، ضمه و شده عربی هم استفاده کنیم، باز هم آن تلفظی را که با زبان شغنی در تلفیق قرار گیرد، نا مأنوس به خوانش گرفته میشود. شاید بهتر باشد اگر این فعل را **"ته یهم"** بنویسیم و بعد اگر لزوم دید باشد از حرکات عربی هم استفاده کنیم، شاید بجا تر باشد در صورتی که شاید دیگر به آنهم نیازی نباشد. و یا هم **"سوم"**، که معنی برویم را میدهد، با هر حرکت زبان عربی هم که نوشته شود، هر گز تلفظ واژه **"سهوهم"** زبان شغنی را نخواهد داد و همواره سوم که رقم سه را نشان دهنده است، به خوانش گرفته خواهد شد. **در همین نوشته میخوانیم:**

" برای مثال: ما در فارسی واژه **"خط"** داریم که با دو حرف **"خ"** و **"ط"** و بکار گرفتن **"زیر یا فتحه"** و علامه **"جزم"** یعنی شکلی مانند **کامه** تلفظ میشود. اما بعضی

دوستان ما این واژه "خط" را که خواسته باشند شغنی تلفظ کنند، آنرا "خهط" می نویسند. بناً از دید بنده آیا مسخرگی میتواند بیشتر از این باشد. هیچگاهی، حرف "ه" در زبان فارسی دری بجای واول کار بُرد نداشته است، اما دوستان ما این حرف زنده را به واول کشاله دار تبدیل نموده اند. نظر بنده این است که در تلفظ چنین واژه ها بسیار ساده از حروف اصلی، کار باید گرفت و در تلفظ شغنی آن "حرکات" عربی را بکار بگیریم.

واژه "خط"، در زبان فارسی - دری، زبان تاجیکی و یا هر زبان مشابه دیگری که باشد، دارای واول یا مصوت کوتاه است، در صورتی که در زبان شغنی این واول و یا مصوت، دراز و کشاله تلفظ میشود، مانند "خهط"، که روی این واول سترس، خج، و یا فشار، قرار میگیرد و هنگام تلفظ "خط"، لبها از هم فاصله نمیگیرند، اما در تلفظ "خهط"، زبان شغنی، لبها از هم دور شده و فاصله میگیرند. و وقتی که از واژه "رحیم"، یاد آور شویم که گویا هیچ وقت به واول نیاز ندارد، به علت اینکه این واژه مربوط به زبان عربی است و زیر اثر قوانین کسره، فتحه و ضمه عربی قرا نمیگیرد، که نه فارسی است و نه هم شغنانی. **به ادامه چنین می خوانیم:**

" در زبان سچه شغنی کلمه ای وجود ندارد که در آن حروف ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ذ، لا و ء استعمال شده باشد و یا استعمال شود، بجز از کلمات مشترک، ولی در کلمه ای که خاص و مربوط به زبان شغنانی باشد این حروف استعمال نمیشود. بناً چنین نتیجه میگیریم که ما در زبان سچه شغنی اصلاً به این حروف عربی و دری بصورت قطع نیازی نداریم. امروز در زبان پشتو کوشش میشود که چنین حروف را از زبان بیرون بکشند؛ مثلاً در پشتو "خوشحال" را به "خوشال" تبدیل کرده اند. بدون تردید در هر واژه ای که این حرف ها وجود داشته باشند، آن واژه دارای ریشه عربی بوده و به زبان دری و یا هم شغنی ارتباطی ندارد. لذا اگر ما خواسته باشیم از شیوه ای استفاده کنیم که در زبان پشتو بکار برده اند و "خوشحال" را "خوشال" ساخته باشند این خود یک نوع تعصب را نشان می دهد و واژه را از دایره معنی بیرون ساخته اند، زیرا واژه "خوشحال"، دارای دو سیلاب است، و هر دو سیلاب دارای معنی هستند، یعنی "خوش"، و "حال"، اما سیلاب "خوش"، دارای معنی است مگر، سیلاب "ال"، دارای چه معنی خواهد بود. هر زبان دارای واژه عاریتی و یا به قرصه گرفته شده هستند، که آن ها را نمیتوان تغییر داد تا زمانی که معادل آن را در زبان خود در نیافته باشیم. مثلاً: "کرتشکه"، "کرندش"، "یون باش"، "سندهل"، "ترچق"، "آق سقال"، که روسی و ترکی هستند. **همچنین:**

به نظر من اگر خواسته باشیم تا واژه های ذیل زبان شغنی را درست ادا کرده باشیم، باید، این چنین نوشت:

**نگارش پیشنهادی**

**چارکین / چارکھین**

**اصل واژه در نگارش**

**چارکن**

آدمین / آدمهین	آدمن
فرادهر	فراد ( ف با سه نقطه)
غدهین / غدهیین	غده ( د با سه نقطه)
بچگلهین / بچگلهیین	بچگله

مزید بر آن باید گفت که شاید برای واژه " **ثیر** "، که معنی خاکستر را می‌رساند، اضافه کردن پندکی جهت تلفظ درست نسبت به ( **ث** ) عربی با چهار نقطه در بالا، باشد، و نه ( **ت** )، با اضافه نمودن پندکی. به همین سان میتوان در مورد، ( **ذ** )، دونقطه، و ( **ف** )، نیز با دو نقطه، و به همین سان ( **ر** ) به خودی خود از زبان پینتو، گرفته شده است. مزید بر آن حرف ( **ث** ) در زبان عربی وسط زبانی است و هم سایشی، در صورتی که در زبان شغنی در واژه **ثیر** ( خاکستر ) و غیره نوک زبانی، غیر سایشی وسطی است که هنگام تلفظ نوک زبان با ناحیه چپ و راست دندان های بالایی در تماس شده و به تلفظ گرفته میشود و هم هنگام تلفظ بندشی است در صورتی که ( **ث** )، عربی غیر بندشی و هوا را آزاد می‌سازد.

**محترم کریم نوجو** به گونه اختصار در مورد ترتیب، تدوین و ساختار نظام نوشتاری زبان شغنی ابراز نظر نموده اند، که در آن در واقعیت با سیستمی که آقای " **ظهوری** " پیشنهاد نموده است و از تجارب گذشته خویش ابراز نظر نموده مورد حمایه قرار داده و کمی هم نظر شان را این گونه بازتاب داده اند که چنین می‌خوانیم:

" در مورد حرفهای **ه، ث، بن، ر، ف، خ، ح**، نظر محترم ظهوری دقیق تر به نظر می‌رسد. اما در رابطه به حرف **پ** عوض **ث** عربی که در جملات **ثیر(خاکستر) تُد (سوخت) ؛ تیر وُتد** را بکار بریم نا موزون و مغشوش به نظر میرسد. زیرا حرف **ث** در عربی عیناً تلفظ شغنانی را افاده میکند یعنی زبان در وسط دندانها قرار میگیرد پس ضرورت به بدیل دیگر نیست و نباید حرف دیگر را به عاریت گرفت. میخواهم در مورد بعضی کلمات استعمال یای مجهول پشتو( **ی** ) را بجای **ه** پیشنهاد نمایم مثلاً در کلمات **دهن** (میدهند) زهن(میگیرند) و انجهن (میگیرند) با حرف یای مجهول یا دو نقطه سربسر نوشته شود مثل **دِیِن**، **زین**، انجین خوانا تر است. به طور کل کلماتیکه به زیر تلفظ شود با یای دونقطه کلماتی به زور یا زیر تلفظ شود با **ه** نوشته شود تفکیک خوب است. کلمه انجهن که معنی ریسمان تاب داده از خمچه را میدهد با حرف **ه** خوانا است اگر معنی میگیرند را بدهد با یای دونقطه بهتر است"

به نظر شخصی من ابراز نظر **محترم نوجو**، به استثنای حرف ( **ث** )، که مختص زبان عربی است، در سایر موارد با دیگران به ویژه با " **ظهوری** " همنا هستند. باید دانست که همه عرب ها این حرف را به آن گونه که بر عجم ها تلفظ آن را تحمیل نموده اند، خود نمیتوانند به همین سان مورد تلفظ قرار دهند.

به ویژه ساکنان یمن شمالی و جنوبی، عرب های منطقه کرد نشین، برخی از مصری ها، اکثریت مردمان پناه گزین لبنان، عرب های اسرائیل، عرب های تونس و الجزایر، و غیره. از این سبب اگر ما این حرف را به پذیریم، و هیچگونه نشانه، علامه، سمبول و یا نمادی را برایش قایل نشویم، میتوانیم آن را مانند (ث)، ای که تلفظ قلبی برایش آفریده اند، به خوانش گیریم. درست است فرموده شان که حرف (ث)، هنگام تلفظ در بین دندان ها قرار میگیرد، اما در زبان شغنی مانند زبان عربی در حقیقت نوک زبان با قسمت بالایی دندان ها بیشتر در تماس میشود و به سوی بالا حرکت میکند، نسبت به اینکه در میان دندان ها قرار گیرد و هنگام تلفظ موقعیت تلفظاتی، مساوی را کمایی کند.

پیشنهاد شان مبنی بر کاربرد و یا نگارش واژه های مانند: **ذهن (میدهند)** و **انجهن (میگیرند)** یا گرفتار می کنند **زهن (میگیرند)**، بدون تردید درست است اگر این چنین نگاشته شوند: **ذهین، انجهین، زمین (و نه زین)** که معنی زین اسپ را می رساند، بهتر، و مانوس تر به نظر می رسد.

**لازم میدانم که از نظر نهیات مثبت**، سازنده و علمی محترم انجینر اسرار که در مورد ساختاروشیوه نگارش زبان و ادبیات شغنی ابراز نموده است نیز قدردانی بعمل آورم و اضافه نمایم که: بدون تردید زبان حیثیت و مقام یک آستان و یا بهتر بگوییم شهر را دارد، و شهر ها همواره ساخته میشوند، انکشاف داده میشوند، به آرایش و پیرایش ساختاری نیاز مبرم پیدا می کنند، و زبان هم به همین سان در طول تاریخ باید فرآیند اکمال، رشد و تعالی را به پیماید، و آنگونه که ایشان کاملاً بجا یاد آور شده اند، باید دانست که زبان به مثابه یک قرار داد اجتماعی موازی و مساوی با زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، تکنولوژیکی تاریخی، سیاسی و فرهنگی، نیز پروسه رشد و انکشاف خود را می پیماید، اما در شرایط کنونی آنچه که توسط دوستان در افغانستان صورت گرفته است اقدامی است ابتکار آفرین و در خور ستایش، اما ایکاش آنها یک کمی عجولانه برخورد نمیکردند و از حوصله فراختر علمی استفاده میکردند و با نظریات سالم و مثبت سایر دوستان آشنایی پیدا میکردند و بعد اگر این چنین اقدام میکردند، کار کرد های شان ماندگار تر و بنیادی تر می شد. لذا همه چند و چون دوستان فقط تنها برای این است که همه در ساختار این عمارت باید سهم بگیرند و موادی را که در اختیار دارند باید بکار برده شود، زیرا هیچ ناوقت نه شده است، و هنوز هم فرصت داریم. در صورتی که همین اکنون امکانات درست سازی دشواری ها، نارسایی ها و کج فهمی ها میسر باشد چرا آن را انجام ندهیم و بگذاریم که فعلاً این اشتباهات به پیش بروند و در آینده ها با مساعد شدن زمان آنها را به تصحیح خواهیم نشست، شاید درست نباشد زیرا ما فرزندان آن

مرز و بوم را با غلط‌خانی‌ها، با پذیرش اشتباهات و نادرست‌کاری یا تشویق می‌کنیم و یا هم‌مجبورشان می‌سازیم تا باشد در آینده‌ها مورد مکافات قرار بگیریم، شاید مجازات اخلاقی و اکادمیک شویم. این حرف محترم اسرار کاملاً بجا است که گفته‌اند: **"داشتن چیز کم بهتر است از نداشتن آن"**، این عبارت دارای یک منطق رسا است زیرا ما‌ها بعضاً به دنبال کامگاری‌ها، موفقیت‌ها و مسرت‌های بزرگتر می‌گردیم و از همین سبب است که بعضاً هر دوی آنها را از دست داده‌ایم و اگر در آینده‌ها نیز اگر چنین باشیم بسا مسایل و چیزهای دیگری را نیز از دست خواهیم داد، و باید گفت که همین اکنون تا حدی از دست داده‌ایم و در حال از دست دادن هستیم که فرآیند انتخابات شغنان میتواند یکی از نمونه‌های نهایت‌رسای آن به حساب گرفته شود.

**محترم قوت نیرو،** به مثابه یک روشنفکر، تحصیل‌کرده، آگاه مسایل حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی که این همه‌واژه را بدون زبان و داشتن زبان من حیث وسیله‌مفاهمه و مکالمه نمیتوان جامه عمل پوشاند، با درایت بسیار خوب نظریات زیاد سازنده و در خور ستایش پیش‌کش نموده‌اند که در واقعیت امر روی آن سلسله‌ای اس‌مسایل مکث نموده‌اند که واقعاً برای اکثر افراد صاحب‌نظر آفریننده اسباب‌نگرانی هستند. نظر ایشان در مورد نویسه‌های ویژه شغنان که تا حدی با نظریات محترم ظهوری و هم محترم صبار هم آهنگی داشته و در برخی موارد سخنان خود را داشته‌اند که واقعاً از دیدگاه زبان‌شناسی نیز دارای ارزش بخصوص خود هستند. به ویژه عدم توافق شان با محترم ظهوری در مورد بستن جمع در واژه‌های شغنی، مانند:

**چارکهن (ظهوری) چارکهن و یا چارکین (نیرو)،** باید نوشت که صورت جمع واژه‌ها بهتر است با **(هین)**، نوشته شود و یا با **(یین)**، بهتر و مأنوس‌تر است و **(هن)** به تنهایی صورت جمع واژه‌ها را نشان دهنده نخواهد بود. و سایر مسایلی که دوستان هر کدام با نوشته‌ها، نظریات و اندیشه‌های شان بلدیت دارند و یا خواهند پیدا کرد. در فرجام به آگاهی دوستان باید برسانیم که پژوهش‌های نهایت‌سترگ، عملی و اکادمیک دیگری نیز از طریق برخی دیگری از دوستان و شخصیت‌های صاحب‌صلاحیت و اختیار در زمینه در شرف ورود به سایت شغنان هستند که برای بنده شاید قبل از وقت باشد و تا حدی هم پیش‌پزگی، تا در مورد چیزی را در خور فهم دوستان قرار دهم.

**جوی است و جرّ پرده عبرت زردها  
ره پُر ز جر و جوی و هوا سرد و تیره فام**